هند و چین به سمت رویارویی می‌روند

سرشاخ شدن غول‌های آسیایی

دورنما
سید رحیم لاری

چین و هند سومین و هفتمین کشور وسیع دنیا و با جمعیتی نزدیک به ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر، دو غول بزرگ آسیایی هستند که این روزها بر سر مشکلات مرزی خود تا یک قدیمی جنگ دیگری رسیده‌اند. وانگ ئی، وزیر خارجه چین، در جریان سفر خود به کشورهای جنوب شرق آسیا برای هند خط و نشان کشیده و گفته که هند نباید در مورد توان چین دچار خطا شود. وانگ ئی تنها هند را تهدید به مقابله نظامی نکرد بلکه طبق معمول تقدم را به دیپلماسی داد و تأکید اصلی او بر حل منازعات با گفت‌وگو بود به این شرط که نظامیان هندی به خاک خود بازگردند اما به نظر می‌رسد که هندی‌ها بیشتر به جنبه نظامی موضوع توجه دارند تا دیپلماتیک آن. ژنرال بیپین راوات، فرمانده ارتش هند در ۱۳ جولای گفته بود که ارتش هند برای جنگ‌های متعدد و همزمان با چین، پاکستان و عوامل داخل کشور آمادگی دارد و حالا معاون او و وزیر دفاع هند هم این موضوع را پیش کشیده‌اند. هر چند که ژنرال سارات چند آن حرف فرمانده خود را به معنی جنگ‌طلبی تعبیر نکرده اما باز پکن را تهدید بزرگ هند دانسته و آرون جایتلی، وزیر دفاع هند، هم به طرف چینی تذکر داده که هند امروز مثل هند ۱۹۶۲ نیست.

■ تنش قدیمی

تذکر جایتلی به چینی‌ها آشکارا یادآور یک زخم قدیمی است که هنوز هندی‌ها از آن رنج می‌برند. اقصای چن منطقه‌ای در شمال شرق هند است که در سال ۱۹۶۲ باعث بروز جنگ بین چین و هند شد. هند مدعی بود که این منطقه بر اساس خطوط مرزی ترسیم شده و در زمان تسلط بریتانیا بر هند، جزو ایالت جامو و کشمیر بوده هر چند که به نظر می‌رسد اسناد موجود آن ادعا را تأیید نمی‌کرد. در واقع، این منطقه در آن اسناد به صورت هاشورزده ترسیم شده و به معنای نامشخص بودن مرز بود و همین نیز باعث شد تا چینی‌ها ادعای هندی‌ها را قبول نکنند و بعد از چندین سال مذاکره، این منطقه را در جنگ ۱۹۶۲ تصرف کنند. هند تا کنون تسلط پکن بر این منطقه را به رسمیت نشناخته اما مذاکرات دو طرف و توافقنامه‌های به دست آمده در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ باعث تعهد هر دو طرف به عدم انجام فعالیتی در دو سوی مرز شد که در این توافقنامه‌ها از آن مرز با عنوان خط کنترل واقعی، (Line of Actual Control (LAC، یاد شده است. گویا این عبارت بسیار قبل‌تر از آن توافقنامه‌ها و در نامه‌ژوانلای به جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیران وقت چین و هند، در اکتبر ۱۹۵۹ به کار رفته بود که سرانجام مبنای توافقی بین دو طرف برای نوعی آتش‌بس در خط مرزی به طول ۴۰۵۶ کیلومتر شد. هر چند که این عبارت مبنای آرامش بعد از جنگ ۱۹۶۲ را فراهم کرد اما این آرامش به معنای پایان تنش نبود چراکه اصل اختلاف را از بین نبرد و همین نیز باعث شده تا هر از چند گاه، سلاح یک طرف به سوی طرف دیگر نشانه رود. هند سال قبل در این روزها یکصد تانک تی ۷۲ خود را در طول ۸۲۶ کیلومتری از این خط مرزی مستقر کرد آن هم به بهانه تقویت پایگاه‌های نظامی خود در مرز مشترک با چین اما روزنامه رسمی چین گلوبال تایمز این اقدام هند را یک تهدید خواند و هشدار داد که این کار هند می‌تواند به سرمایه‌گذاری چین در هند صدمه بزند.

■ از رفاقت تا رقابت

اشاره گلوبال تایمز به منافع اقتصادی هندو به افزایش شش برابری سرمایه‌گذاری چین در هند مربوط می‌شد که به ۸۷۰ میلیون دلار رسیده بود. باید توجه داشت که این افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری با توجه به حضور هر دو کشور در بلوک قدرتمند بریکس قابل توجه است چراکه اصل مبنایی این بلوک متکی بر همکاری‌های اقتصادی است و هر دو کشور بر مبنای این اصل است که در سال‌های گذشته رو به همکاری یا به عبارتی، رفاقت اقتصادی آورده‌اند. این رفاقت بین دو طرف تا آنجا پیش رفت که هو جین تائو، رئیس جمهور سابق چین، طی سفری رسمی به هند و همراه با مانموهان سینگ، نخست‌وزیر سابق هند، سال ۲۰۱۲ را سال دوستی هند و چین خواند و هر دو تأکید کردند که هدف از گفت‌وگوی اقتصادی استراتژیک، SED، تقویت اعتماد متقابل و گسترش همکاری‌های استراتژیک است. این مبنا با تغییر چهره‌های سیاسی در هر دو کشور تغییری نکرد چنانکه شی جین پینگ بعد از هو جینتائو به ریاست جمهوری چین رسید و در مدت کمی بعد از رسیدن به این مقام و همراه با هیئت ۱۰۰ نفره‌ای راهی هند شد تا در احمدآباد هند وعده افزایش سرمایه‌گذاری در هند را به میزان ۲۰ میلیارد دلار بدهد. او قبل از آن سفر و در روزنامه هندو نوشته بود: «اگر چین و هند با یکدیگر همکاری کنند، به زودی یک قرن آسیایی آغاز خواهد شد؛ قرن نوسازی و رفاه.» به نظر می‌رسید که این وعده از سوی هندی‌ها هم مورد استقبال قرار گرفت که نارانده مودی، نخست‌وزیر هند، سال بعد به پکن رفت تا بر سر همکاری‌های اقتصادی با طرف چینی و به خصوص خط راه‌آهن شمال به جنوب هند با شی جین پینگ مذاکره کند. از سوی دیگر، افزایش سطح همکاری اقتصادی چین و هند می‌تواند به خودی‌خود عاملی برای رقابت بشود به خصوص اینکه انگیزه‌های تاریخی-امنیتی برای این رقابت هم وجود دارد. نباید فراموش کرد که هند در توسعه اقتصادی خود جاه‌طلبی‌های بلندپروازانه‌ای دارد و باید گفت که جاه‌طلبی‌های هند بعد از یک دوره طولانی از رکود و در اوایل این دهه شروع شد که رشد سریع اقتصادی چین تلنگری به دهلی‌نو شد. این کشور کار خود را با برداشتن محدودیت‌های کنترلی بر صنایع شروع کرد که رشد غیرقابل باور اقتصادی ۸/۵ درصدی را برای این کشور به دنبال داشت و باعث شد تا شرکت‌های هندی هم به تدریج از زیر سایه شرکت‌های چند ملیتی خارج و خود مبدل به غول‌های اقتصادی شوند. این رشد اقتصادی توانست خود را از رکود اقتصادی بزرگ غرب در یک دهه گذشته حفظ کند تا اینکه تولید ناخالص داخلی خود را از مرز ۲ تریلیون دلار بیشتر کند و بتواند بعد از امریکا و چین، مبدل به سومین اقتصاد بزرگ جهان بشود. روشن است که این پیشرفت اقتصادی نمی‌تواند برای هندی‌ها حد و مرزی داشته باشد و تمایلی در آنها برای پشت سر گذاشتن چین و رسیدن به دومین اقتصاد بزرگ جهان ایجاد می‌کند.

■ بهانه‌های امنیتی و مداخلات خارجی

این تمایل می‌تواند با انگیزه‌های امنیتی رنگ و بوی ملی‌گرایی پیدا کند تا مبنای اقتصادی آن کمتر دیده شود و موضوع از زاویه‌ای دیده شود که مورد پسند افکار عمومی در هند باشد. علاوه بر خاطره تلخ ۱۹۶۲، مناقشه عمیق با پاکستان بر سر ایالت جامو و کشمیر به رقابت هندی‌ها با چین گره خورده به ویژه اینکه چین هم از طرف مقابل، رابطه با پاکستان و تقویت این کشور را عامل تعدیل کننده‌ای در تنش خود با هندی‌ها می‌داند. همین تلقی باعث شد تا بعد از تسلیح هند به بمب اتم در ۱۹۷۴، چین همکاری مخفی با آزمایشگاه عبدالقدیر خان را شروع بکند تا پاکستان بتواند در ۱۹۹۸ اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام بدهد. دهلی‌نو هنوز چین را در جهت همین سیاست می‌داند و به همین جهت هم طرح کریدور اقتصادی چین و پاکستان را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌بیند به خصوص اینکه بخشی از این کریدور از منطقه‌ای می‌گذرد که دهلی‌نو آن را جزو خاک خود می‌داند. این کریدور استان سین کیانگ چین را به بندر گوادر در پاکستان متصل می‌کند که عبور این خط اتصال از کشمیر آزاد به خودی‌خود واکنش هند را به دنبال دارد چراکه هند این منطقه از کشمیر را جزوی از خاک خود می‌داند. حالا دهلی‌نو واکنش خود را در عمل و با فرستادن یگان‌های نظامی به منطقه مرزی سیکیم و عبور آنها از مرز نشان داده آن هم به بهانه ساخت جاده‌ای در منطقه دوکلام که مورد مناقشه چین با بوتان است. به نظر می‌رسد که هند به دلیل نبود روابط سیاسی بین چین و بوتان این اجازه را به خود داده تا سر این موضوع وارد مناقشه بشود اما با توجه به رقابت عمیق با چین باید گفت که موضوع فعلی بیشتر بهانه‌ای است تا هند از یک سوزخم دیرین خود را جبران کند و از سوی دیگر، چین را به مبارزه‌طلبی فراخواند. شکی نیست که توان نظامی هند هنوز هم قدرت برابری با چین را ندارد و ادعای آرون جایتلی با واقعیت موجود همخوانی ندارد اما در این مورد نباید از مداخله خارجی و به خصوص امریکا غافل ماند. در واقع، امریکا در تنش فعلی حکم نقطه اتکای هندی‌ها برای تقابل با چین شده و برگزاری رزمایش با امریکا در اوج تنش با چین این موضوع را تأیید می‌کند. باید گفت که هند با پشت‌گرمی امریکایی‌هاست که جرئت فرستادن یگان‌های خود به خاک چین را پیدا کرده به این امید که در درگیری محتمل حمایت امریکا را خواهد داشت و می‌تواند به این وسیله زخم به جا مانده از ۱۹۶۲ را جبران کند. به نظر می‌رسد که مقامات هندی بیش از حد امید به امریکا بسته‌اند و نمی‌توان گفت که امریکا حاضر باشد در صورت بروز درگیری این دو کشور، خود را درگیر چینی‌ها با آن قدرت اقتصادی-نظامی و حق‌وتو در شورای امنیت بکند. با توجه به این نکته است که پکن راه دیپلماسی را با گزینه نظامی هماهنگ کرده چون می‌داند که استقبال هند از مسیر دوم نتیجه‌ای جز تکرار تجربه‌ای برای هند نخواهد بود که در پنج دهه و نیم قبل داشت و حالا هم قدرت خارجی حاضر نمی‌شود تا در سرشاخ شدن این دو غول آسیایی دخالت مؤثری بکند.

تشدید یهودی‌سازی فلسطین با حمایت ترامپ

رویکرد
صبری انوشه

صهیونیسم در اندیشه و عمل یک ایدئولوژی سکولار یستی با لعاب دینی است که رهبران این جریان، تمام متون یهودی و تعالیم تلمودی را در خدمت اهداف خود قرار داده‌اند. جوهره اصلی این ایدئولوژی فاشیستی، یهودی‌سازی فلسطین و اماکن مقدس آن است. فرآیند یهودی‌سازی شامل تاریخ، فرهنگ، جمعیت و میراث تمدنی این سرزمین است.

مؤسسان و رهبران این جریان ضدتمدنی، راهبرد یهودی‌سازی را از همان آغاز و از اولین کنگره صهیونیست‌ها در ۲۹ اوت ۱۸۹۷ در صدر اولویت‌های خود قرار داده‌اند. آنها یهودی‌سازی قدس را در مرکزیت راهبردهای توسعه‌طلبانه خود جا دادند. شهرک‌سازی در اولویت‌های طرح‌های توسعه‌طلبانه آنها بوده و قبل از پایه‌ریزی اسرائیل در ۱۹۴۸، صهیونیست‌ها، میان سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۹۳۰ تنها در غرب شهر قدس، ۵۱ شهرک صهیونیستی ایجاد کردند که با تشکیل اسرائیل در ۱۴ می ۱۹۴۸، روند یهودی‌سازی ابعاد به خود گرفت. اشغال قدس پس از شکست ننگین اعراب در جنگ ۵ ژوئن ۱۹۶۷، فضا را برای توطئه‌چینی صهیونیست‌ها علیه ملت-سرزمین فلسطین و کل منطقه مساعد ساخت. رهبران رژیم غاصب قدس، سیاست‌های گوناگونی جهت اجرای راهبرد یهودی‌سازی فلسطین طراحی کرده‌اند از جمله طرح اورشلیم سال ۲۰۲۰ که مهم‌ترین اهداف آن عبارتند از:

۱ـ تغییر موازنه جمعیتی شهر قدس و حومه به سود اسرائیل: بر اساس این طرح، جمعیت یهودی شهر به ۲ میلیون خواهد رسید و جمعیت عرب مسلمان، تنها ۳۰ هزار نفر خواهند بود.

۲ـ توسعه شهر: مساحت شهر قدس در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۷ درصد کل مساحت کرانه غربی رود اردن خواهد گشت و بدین سان قدس توسعه‌یافته، مساحت زیادی را از کرانه غربی بر اساس این طرح خواهد بلعید.

طرح مزبور توسط شهرداری قدس و با مشارکت ۹۸ کارشناس خبره در زمینه‌های مختلف تدوین شده است. شرایط و عوامل زیادی در زمینه‌چینی و فضاسازی جهت عملیاتی شدن راهبرد یهودی‌سازی، دخالت داشته‌اند که سیاست جانبدارانه غربی، روند سازش اعراب با صهیونیست‌ها و سرکوب و حمله همه‌جانبه علیه خط مقاومت ضدصهیونیستی، مهم‌ترین عوامل مساعد این توطئه ضدانسانی بوده است. تبعات و نتایج مداخله مستقیم و غیرمستقیم ریاض در امور داخلی جهان عرب و جنگ‌های ویرانگرانه آل‌سعود در سوریه، عراق، لیبی و یمن، نقش مهمی در تشدید عملیات یهودی‌سازی قدس شریف ایفا کرده است. توطئه‌های غیراخلاقی و به حاشیه راندن قضیه فلسطین در شش سال اخیر، از جمله علل تشویق نتانیاهو در تسریع روند یهودی‌سازی و تشدید عملیات شهرک‌سازی صهیونیستی بوده است. این روزها منابع فلسطینی گزارش می‌دهند که در روزهای آینده، با اجرای چندین پروژه بزرگ، شاهد آغاز روند شهرک‌سازی جدید در قدس و توسعه مناطق یهودی‌نشین آن خواهیم بود.

رسانه‌های صهیونیستی از جمله روزنامه هاآرتص در گزارش‌های اخیر خود به طور صریح گزارش کرده‌اند که هم اکنون صحبت از طرح‌هایی است که ماه‌ها در دوران اوباما و کابینه نتانیاهو به ویژه طی شش سال اخیر به علت نگرانی از واکنش واشنگتن دست به اقدامی در این باره نزده و به صورت معلق باقی مانده است. از جمله این طرح‌ها یک پروژه بزرگ مسکونی با ۲ هزار واحد برای توسعه مناطق یهودی‌نشین قدس است. همچنین قرار است چهار پروژه دیگر برای شهرک‌نشینان در منطقه «شیخ جراح» اجرایی شود که برخی از آنها شامل اخراج فلسطینی‌ها از محل زندگی خودشان می‌شود.

اما با ورود ترامپ به کاخ سفید به ویژه پس از سفر اخیر وی به تل‌آویو، سیاستمداران اسرائیلی از پایان دوران تعلیق شهرک‌سازی‌ها سخن گفته‌اند و همه موانع برای ساخت‌وساز در قدس شرقی بر اساس طرح‌هایی که کمیته برنامه‌ریزی شهرداری قدس در نظر گرفته، برداشته شده است. در این طرح برای منطقه شیخ جراح در شمال قدس چهار پروژه شهرک‌سازی در نظر گرفته شده است. در این طرح خانواده‌های فلسطینی از منطقه بیرون رانده شده و خانه‌هایی سه طبقه برای سه خانوار یهودی ساخته می‌شود. همچنین در منطقه‌ای دیگر قرار است با اخراج خانواده‌های فلسطینی در ساختمان‌های چهار طبقه، یک ساختمان جدید پنج طبقه برای سکونت ۱۰ خانوار یهودی ایجاد شود. در این طرح ساختمان‌های ساخته شده در مناطق فلسطینی با مالکیت یهودی شمرده می‌شوند و هر فرد غیریهودی بر اساس قوانین امکان سکونت در آنها را نخواهد داشت. به جز دو طرح فوق، قرار است یک مدرسه دینی (تلمودی) در منطقه شیخ جراح ایجاد شود. ساختمان این مدرسه تلمودی قرار است در هشت طبقه ساخته شود.

طرح چهارم در شیخ جراح به بنای یک ساختمان جدید شش طبقه تجاری برای ایجاد دفاتر تجاری و سرمایه‌گذاران اسرائیلی مربوط می‌شود. بنا بر این گزارش‌ها، پیش از این نیز سابقه داشته است که خانواده‌های فلسطینی در منطقه شیخ جراح جهت سکونت شهرک‌نشینان از محل زندگی خود اخراج شوند. طراح اصلی این پروژه‌ها نیز بیشتر گروه‌ها و شخصیت‌های راستگرای اسرائیلی هستند که همواره بر اخراج فلسطینی‌ها و شهرک‌سازی جدید تأکید دارند.

جدا از منطقه شیخ جراح، قرار است توسعه مناطق یهودی در خارج از خط سبز قدس نیز دنبال شود. کمیته شهرک‌سازی قدس همچنین در هفته جاری در نظر دارد ساخت ۹۴۴ واحد جدید در منطقه «بسگات زئیف» را بررسی کند. همچنین طرحی در زمینه ساخت ۸۰۰ واحد برای شهرک‌نشینان در شهرک «گیلو»، ۲۰۰ واحد در راموت، ۲۱۴ واحد در «نافی یعکوف» و ۱۱۶ واحد دیگر در «بسگات زئیف» نیز وجود دارد. اخیراً رسانه‌های صهیونیستی، پیش‌بینی کرده‌اند که کمیته برنامه‌ریزی و سازندگی قدس با صدور مجوز ساخت ۶۱۸ واحد آپارتمان در محله‌های یهودی در خط سبز، موافقت خواهد کرد. همچنین پیش‌بینی می‌شود این کمیته با مجوز احداث ۱۴۰ واحد آپارتمان در پیسگات زئو Pisgat Ze'ev (بزرگ‌ترین شهرک صهیونیست‌نشین در قدس)، ۲۶۲ واحد آپارتمان در شلومو و ۲۱۶ واحد آپارتمان در راموت موافقت کند. رژیم صهیونیستی بدون توجه به قطعنامه شورای امنیت که اخیراً علیه شهرک‌سازی‌ها در اراضی اشغالی فلسطین صادر شده، با حمایت واشنگتن به عملیاتی کردن سیاست شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ادامه می‌دهد. روزنامه‌هاآرتص، آشکارا تصریح می‌کند که طرح‌های یهودی‌سازی قدس از زمان اعلام پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا شدت یافته است. این روزنامه اعتراف می‌کند که در این برهه زمانی با احداث ۱۵۶۰ واحد مسکونی برای یهودیان در قدس موافقت شده است. این در حالیست که در سال ۲۰۱۴ تعداد مجوزهای صادر شده برای احداث این گونه واحدها ۳۹۵ مورد بوده و در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، روند صدور مجوز برای طرح‌های مسکونی یهودیان در شرق قدس با دشواری‌های متعددی روبه‌رو بوده و این مسئله همواره منجر به افزایش شکایت مسئولان برنامه‌ریزی شهری به علت مانع‌تراشی‌های حکومت نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم به بهانه حساسیت‌های دیپلماتیک شده است. سیاست تخریب منازل فلسطینیان ساکن شرق قدس بخشی از طرح‌های راهبردی یهودی‌سازی این شهر مقدس بوده که تنها طی سال‌های اخیر هر ساله ۴۰ تا ۷۰ واحد مسکونی متعلق به فلسطینی‌ها ویران شده و در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۱۳۰ واحد رسیده است. طرح احداث محله جدیدی در گیوات هاماتوس Givat HaMatos در شرق قدس بیش از همه مسئله ساخت‌وساز در قدس را مورد توجه قرار داده است زیرا کاخ سفید در دوران اوباما، اجرای این طرح را مسئله بسیار حساسی به شمار می‌آورد، چون موجب دشوارتر شدن تقسیم قدس می‌شد. گرچه قطعنامه اخیر شورای امنیت پیام روشن جامعه جهانی برای اسرائیل مبنی بر غیرقانونی بودن ساخت‌وساز و خصوصاً تخریب خانه‌های فلسطینی‌ها بوده، ولی صهیونیست‌ها با پشتیبانی امریکا و سازشکاری برخی اعراب منطقه همچنان به ادامه عملیاتی کردن طرح‌های ضدانسانی خود اصرار دارند.

روابط واشنگتن و اتحادیه اروپا از همکاری استراتژیک به شراکت و حتی سطوح پایین‌تر حرکت می‌کند

درد تحریم‌های ضدروسی امریکا در بروکسل

چالش
دکتر سید رضا میرطاهر

اعضای جمهوریخواه و دموکرات مجالس نمایندگان و سنای امریکا روز شنبه ۳۱ تیر بر سر طرح وضع تحریم‌های جدید علیه روسیه، ایران و کره شمالی به توافق رسیدند و این تحریم‌ها روز سه‌شنبه هفته قبل با اکثریت آرا ۴۱۹ به ۳ در مجلس نمایندگان تصویب شد. سنای امریکا طرح تحریم‌های جدید را ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن) تصویب کرده بود، اما با پیشنهاد جمهوریخواهان مبنی بر گنجاندن کره شمالی به این بسته تحریم، رأی‌گیری درباره آن در مجلس نمایندگان امریکا به تعویق افتاد. در این طرح دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا از لغو تحریم‌های ضدروسی منع شده است. در واکنش به این مسئله دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز دوشنبه دوم مرداد اعلام کرد که تحریم‌های جدید علیه روسیه که کنگره امریکا قرار است به آن رأی دهد، غیرسازنده و برای منافع هر دو کشور، زیانبار بوده و مسکو این اقدام واشنگتن را غیرقابل قبول و بسیار منفی تلقی می‌کند. از نگاه مسکو، تحریم‌های جدید امریکا برای حفظ و توسعه روابط دوجانبه مضر است.

■ تصور نادرست

به نظر می‌رسد بر خلاف تصور اولیه روس‌ها درباره بهبود محسوس روابط واشنگتن و مسکو با روی کار آمدن ترامپ، اما اکنون روند اوضاع به گونه‌ای کاملاً بر خلاف آن پیش می‌رود. روس‌ها امیدوار بودند که با ورود ترامپ به کاخ سفید، فضای جدیدی در روابط واشنگتن و مسکو پدید آید، اما وارد آمدن اتهامات جدی به ترامپ و تیم وی در زمینه مداخله روسیه به نفع وی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ امریکا و نیز روابط پنهانی برخی از مقامات تیم ترامپ با سفیر روسیه، باعث افزایش اتهامات علیه روسیه و ترامپ شده و حتی اقدام کنگره برای اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه، نوعی انتقام دموکرات‌ها از مسکو تلقی شده است. در واقع دموکرات‌ها طرفدار تحریم روسیه هستند به‌دلیل اینکه معتقدند روسیه در انتخابات امریکا دخالت کرده و به نفع ترامپ وارد رقابت انتخاباتی شده است. جمهوریخواهان هم برای اینکه بتوانند نظر دموکرات‌ها را به تحریم علیه ایران جلب کنند، تحریم‌های روسیه را در این تحریم‌ها گنجاندند. در مقابل ترامپ بارها تحقیقات درباره ارتباط احتمالی بین ستاد انتخاباتی‌اش با روسیه را اخبار جعلی خوانده و دموکرات‌ها را متهم به این خبرسازی‌ها کرده است. به نظر می‌رسد اقدام جدید کنگره امریکا راه را بر هر گونه بهبود روابط روسیه و امریکا ببندد. در واقع اکنون شاهد تقابل آشکار بین ساختار حاکمیتی در امریکا که تبلور آن کنگره است با دولت ترامپ در زمینه نحوه برخورد با روسیه هستیم. در حالی که ترامپ خواهان بهبود روابط با روسیه و حتی همکاری با آن درباره برخی مسائل بین‌المللی مانند بحران سوریه است، اما اقدام کنگره در گسترش تحریم‌ها علیه روسیه راه را برای هر گونه گشایشی در این زمینه بسته است. ضمن اینکه اکنون شرکای اروپایی واشنگتن نیز به شدت نگران تبعات تحریم‌های جدید امریکا علیه روسیه بر پروژه‌های مشترک اروپا با روسیه مانند خط لوله گازی نورداستریم ۲ هستند. در واقع این خط لوله که برای انتقال گاز به آلمان از طریق دریای بالتیک که به طور مشترک وسط شرکت‌های روسی و اروپایی قرار است ساخته شود، یکی از اهداف تحریم‌های امریکا علیه روسیه است. این مسئله موجب نگرانی جدی آلمان شده است. فرانک والتر اشتاین‌مایر رئیس جمهور آلمان با اشاره به این مسئله اظهار داشته که روابط اروپا و امریکا و به طور خاص روابط آلمان و امریکا هرگز تا این حد سرد و مبهم نبوده است. با توجه به اعمال تحریم‌های جدید و نیز تداوم اختلافات و شکاف‌ها در مواضع مسکو و واشنگتن در قبال بسیاری از مسائل بین‌المللی به‌ویژه بحران سوریه و اوکراین و نیز تداوم رویکرد خصمانه کنگره امریکا که آشکارا خواهان تشدید مواضع واشنگتن علیه مسکو است، امیدی به بهبود وضعیت کنونی و آغاز برهه‌ای جدید در روابط دوجانبه روسیه و امریکا وجود ندارد.

■ اختلافات رو به رشد

پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، شاهد بروز شکاف و اختلافات روزافزون بین دو سوی اقیانوس اطلس هستیم. در واقع موضع غیرهمسوی ترامپ با دیگر سران اروپایی به‌ویژه سران آلمان و فرانسه در زمینه مسائل کلیدی چه در روابط دوجانبه و چه مسائل جهانی، نه فقط

انتقادات آنها را باعث شده، بلکه اکنون شاهد تغییر ماهیت روابط اتحادیه اروپا و امریکا از همکاری استراتژیک به شراکت هستیم. به‌ویژه در نشست اخیر سران گروه هفت در ایتالیا، اختلاف سران اروپایی و غربی با رئیس جمهور امریکا بر سر توافقنامه آب و هوایی پاریس نشان داد که مسیر آینده اروپا و امریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ بر سر برخی مسائل کلیدی از هم جداست و در این میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید بتوانند ضمن افزایش اتحاد و انسجام خود، با سیاست‌های ترامپ در عرصه‌های مختلف به خصوص در زمینه مسائل تجاری، امنیتی و آب و هوایی مقابله کنند. این روند با توجه به رویدادهای جدید سرعت گرفته است. آخرین مورد در این زمینه نگرانی اروپایی‌ها از تأثیرات تحریم‌های جدید امریکا علیه روسیه بر حوزه تجارت و اقتصاد آنها با مسکو است. در این راستا ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا خواستار بررسی فوری تحریم‌های جدید امریکا علیه روسیه و آمادگی برای واکنش به این تحریم‌ها در صورت تأثیرگذاری آن بر قراردادهای شرکت‌های اروپایی شده است. بر اساس طرحی که در کمیسیون اروپا مورد بررسی قرار گرفته، اگر اقدامات تحریمی امریکا علیه روسیه بدون در نظر گرفتن نگرانی‌های اتحادیه اروپا تصویب شود، کشورهای اروپایی باید آمادگی پاسخگویی و مقابله با آن را داشته باشند.

■ نگرانی‌های فزاینده

به نظر می‌رسد واکنش اتحادیه اروپا به اقدامات تحریمی جدید امریکا علیه روسیه، با توجه به در خطر افتادن هر چه بیشتر منافع کشورهای اروپایی در زمینه مراودات تجاری و اقتصادی با روسیه صورت گرفته است. هر چند اتحادیه اروپا به همراه امریکا از سال ۲۰۱۴ تحریم‌هایی را علیه روسیه به دلیل نقش این کشور در بحران شرق اوکراین و نیز الحاق شبه‌جزیره کریمه به مورد اجرا گذاشته و هر ساله نیز آن را تمدید کرده است با این حال تأثیر منفی اقتصادی و مالی این تحریم‌ها بر کشورهای اتحادیه اروپا به‌ویژه کشورهایی با اقتصاد صادرات‌محور مانند آلمان غیرقابل کتمان است. همین مسئله باعث بروز اختلاف و دودستگی بین کشورهای اتحادیه اروپا شده است. برخی از این کشورها که از دیرباز روابط گسترده تجاری و اقتصادی با روسیه داشته‌اند مانند یونان، مجارستان و قبرس خواهان لغو یا کاهش این تحریم‌ها هستند. در حالی که آن دسته از کشورهای اتحادیه اروپا که دشمنی دیرینه با روسیه داشته یا اکنون خود را در معرض تهدیدات امنیتی از جانب مسکو می‌دانند مانند لهستان و جمهوری‌های بالتیک خواهان ادامه تحریم‌ها علیه روسیه هستند. در عین حال اقدام جدید دستگاه حاکمیتی امریکا به‌ویژه کنگره این کشور در زمینه اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه با توجه به تأثیرات حاشیه‌ای آن بر روابط و مراودات تجاری و اقتصادی کنونی کشورهای اتحادیه اروپا با روسیه که البته اجتناب‌ناپذیر هم خواهد بود، واکنش شدید اتحادیه اروپا را برانگیخته است. خط لوله نورداستریم ۲ که برای انتقال گاز به آن سوی بالتیک از سوی شرکت گازپروم روسیه ساخته می‌شود، یکی از اهداف تحریم‌های امریکا علیه روسیه است. شرکت‌های آلمانی نفت و گاز «وینترشل» و «یونیپر»، شرکت انگلیسی-هلندی «رویال داچ شل» و شرکت‌های «او. ام. وی» و «انژی»، از اتریش و فرانسه در این پروژه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اتحادیه اروپا نگران است که قانون جدید تحریم روسیه، راه را برای مجازات این شرکت‌های اروپایی به دلیل نقض تحریم‌های روسیه هموار کند. «ولادیسلاو بیلوف» رئیس مرکز تحقیقات آلمان در مؤسسه اروپای آکادمی علوم روسیه، با اشاره به بیانیه مشترک وزرای خارجه آلمان و اتریش در اواسط ژوئن ۲۰۱۷ در محکومیت تصویب تحریم‌های جدید علیه روسیه در سنای امریکا اظهار داشت که این بیانیه را باید پیام مستقیم اروپا خطاب به ترامپ رئیس جمهور امریکا ارزیابی کرد تا او این مصوبه را امضا نکند. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که علاوه بر اختلافات کنونی بین بروکسل و واشنگتن در زمینه تجارت آزاد، پیمان تغییرات اقلیمی و نیز وضعیت ناتو، مسئله دیگری به این فهرست افزوده خواهد شد. در واقع تحریم‌های جدید امریکا علیه روسیه را باید به منزله نوعی اعمال فشار اقتصادی بر اتحادیه اروپا تلقی کرد که مسلماً به روابط دوجانبه بروکسل و واشنگتن آسیب می‌رساند.